

## بررسی عدالت در اقتصاد اسلامی

شمس‌الدین ربیعی

در آغاز بحث توجه خوانندگان عزیز را معطوف می‌داریم، در اسلام مال و ثروت تحقیر نشده است، نه تولیدش، نه مبادله‌اش، نه مصرف‌کردنش، بلکه همه اینها تایید و توصیه شده است. آنچه تحریم و تحقیر شده است اسراف، تبذیر و تضييع مال است. در اسلام پول و ثروت پرستی، محکوم و مذموم است، دفاع از مال در حکم جهاد و کشته شدن در این راه، شهادت تلقی شده است.

اجتماع سالم، اقتصاد سالم می‌خواهد، معنای عدالت این نیست که افراد انسانی هیچ تفاوتی با هم نداشته باشند، معنای عدالت این است که امتیازاتی که نصیب افراد می‌شود بر مبنای صلاحیت و استحقاق باشد.

آنچه در این مقاله آمده است تمامی مباحث اقتصاد اسلامی را در بر ندارد، بلکه به گوشه‌ای از مباحث اجتماعی و عدالت اقتصادی اشاره کرده و زوایای کلی مباحث اقتصادی و عدالت توزیع و مالکیت‌ها را به طور مختصر و کوتاه بازگو نموده است.

قلمرو مبانی اقتصاد اسلامی بسیار وسیع و در حوصله این بحث نمی‌گنجد. نوشته حاضر تنها گوشه‌ای از دورنمای کلی اقتصاد اسلامی را پی‌گیری نموده و به بسیاری از مبانی و مباحث عدالت اقتصادی توجه نکرده، تنها به بعضی از روح کلی مبانی اقتصاد اسلامی پرداخته است.

در تشیع دو اصل بر اصول مذهب افزوده شده است؛ یکی امامت و دومی عدل، مکتب

تشیع عدالت را در همه جریان‌های اجتماعی و سیاسی بسط داده است. امام باید عادل باشد، گواه باید عدالت را رعایت کند در محکمه، در اجتماع، در رهبری و در همه زمینه‌ها عدالت یکی از اصلی‌ترین محورها معرفی شده است.

عدل را به معنای تساوی و نفی هرگونه تبعیض نیز معنی می‌کنند بنابراین عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی و رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی حق، حق او را و ظلم عبارت است از پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران،<sup>۱</sup> چه به تعبیر مولوی:

عدل چپود؟ وضع اندر موضعیش      ظلم چپود؟ وضع در نا موضعیش

پس در بیان هدف و ضرورت تحقیق در نوشتار فعلی اساس بر بررسی اقتصاد اسلامی که بر پایه عدالت پی‌ریزی شده است می‌باشد و در تشریح بررسی جایگاه اقتصاد اسلامی می‌توان گفت: اسلام دو گونه پیوند با اقتصاد دارد: ۱- مستقیم ۲- غیرمستقیم

پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات مالیات‌ها، ارث، مباحات و صدقات، وقف، مجازات‌های مالی در زمینه ثروت و غیره دارد.

اسلام، کتاب البیع الاجاره، کتاب الوکاله، کتاب الرهن، کتاب الارث، کتاب الهبه، کتاب الوقف دارد. پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است اسلام مردم را توصیه می‌کند به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار، منع دزدی، خیانت و رشوه، که همه اینها در زمینه توزیع ثروت و یا بخشی از قلمرو ثروت است. پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد از جنبه فرهنگی آن یعنی تربیت انسانها است.

همانطور که پیشتر گفته شد، در اسلام مال و ثروت هیچ وقت تحقیر نشده بلکه بر همه اینها تأکید و توصیه شده است و البته برای آنها شرایط و موازین مقرر نموده است. منتهی بحث در این است که اسلام ثروت را اصل قرار داده اما آن را هدف قرار نداده است، در اسلام پول‌پرستی محکوم است تبذیر و اسراف و تضييع ممنوع است.

دفاع از مال و ثروت در حکم جهاد و کشته شدن در راه خدا تلقی شده است، خود

ثروت در قرآن به عنوان خیر کثیر یاد شده است اجتماع سالم، اقتصاد سالم می‌خواهد و اولین اصل برای سلامت اقتصاد یک جامعه اصل افزایش و رشد ثروت ملی و تکثیر و تولید است. از نظر اسلام هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیرقابل تأمین است.

در اقتصاد اسلامی، مال از آن همه است: خلق لکم ما فی الارض جمیعاً.<sup>۱</sup>

در قواعد فقهی ما آمده است: الناس مسلطون علی اموالهم، و در موضوعات مالی فقهی ما موارد ذیل مورد توجه است: خمس، زکات، انفال، غنائم، اراضی مفتوحه، وقف عام و خاص، کفارات، دیات، فدیة در قصاص، فدیة حج، مزارعه و مساقات و مضاربه، ربا، ارث، جریمه مالی، نذورات اجاره، صلح، مهر، واجب النفقه‌ها، قرض و دین، خراج و احتکار همه و همه موضوعات تشکیل‌دهنده اقتصاد اسلامی در جامعه می‌باشد منتهی در همه اینها روح کلی عدالت باید حاکم باشد بنابراین، تبیین اقتصاد اسلامی در جامعه بدون عدل و عدالت مفهومی نخواهد داشت. روح کلی حاکم بر همه موضوعات اقتصادی، کلیت عدالت مطرح است.

اهمیت اقتصاد در هیچ روزی چون امروز نبوده، زیرا اهمیت آن در تمام شوون زندگی مشهود است، حقیقت آن است که از نظر اسلام، ثروت زمین، مال همه آدمیان است زیرا قبل از آنکه انسان قدم بر روی آن بگذارد ثروت‌های طبیعی در روی زمین ایجاد شده بود و همینکه انسان قدم بر زمین گذاشت و شایستگی آن را پیدا کرد ثروت‌های آن را در حیازت خود قرار داد.

پس معقول نیست که زمینی که محل اعاشه جمیع فرزندان آدم است افرادی چند آن را ممنوع دارند. نتیجه کار و کسب هر فردی مال خود اوست و کسی که کاری نمی‌کند حق ندارد از نتیجه رنج و زحمت دیگران استفاده کند، ماهیت موضوعی که ما در این نوشتار دنبال می‌کنیم با موضوعی که در مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیسم تعقیب می‌شود، فرق دارد. کسی که راجع به اقتصاد اسلامی مطالعه می‌کند با یک سیستم مجزا مواجه می‌شود که ساختمان تئوریک آن قبلاً تکمیل شده است. کار او تنها این خواهد بود که طرح حقیقی سیستم را نشان داده و قواعد اصلی آن را نمایان سازد. و در واقع درصدد

تفقه و اکتشاف و استنباط آن برآید. در اسلام با مالکیت مزدوج، مالکیت دولت، مالکیت عمومی، مالکیت امت، مالکیت توده و مالکیت عمومی به طور اخص و مالکیت خصوصی و مالکیت تعاونی حق خاص و اباحه عمومی به نوعی برخورد می‌کنیم که عقل کنجکاو و ذهن کشاف و فقیه اجتهادی هر یک از این موضوعات را در کل سیستم اقتصادی دنبال کرده و به تعریف جایگاه آن در اقتصاد اسلامی پرداخته و برای هر یک از آنها با رعایت نظام و سیستم کل اقتصادی تعریف خاصی در نظر گرفته، مثلاً در اصل مالکیت مزدوج اصل مالکیت خصوصی، مالکیت دولت و مالکیت عمومی مشترکاً مورد بحث قرار می‌گیرد. در مالکیت دولت، مالکیت پیامبر(ص) یا امام امت نسبت به بعضی از ثروتها از جمله معادن که بنا به نظر بعضی از حقوقدانان اسلامی در مالکیت دولت قرار دارد بحث می‌شود. در مالکیت عمومی که مالکیت عامه مردم است نسبت به بعضی ثروتها که به موارد زیر تقسیم می‌شود گفت‌وگو می‌شود:

- ۱ - مالکیت امت، نوعی از مالکیت عمومی بوده، به معنای مالکیت بر زمین آبادی است که در اثر جهاد ضمیمه قلمرو اسلامی شده باشد.
- ۲ - مالکیت توده، این را نیز باید نوعی مالکیت عمومی دانست و اصطلاحاً در مورد اموالی به کار می‌رود که عموم، حق انتفاع از آنها را دارند و فرد نمی‌تواند به تنهایی مالک آنها باشد، این قبیل مالکیت‌های عمومی دارای دو جنبه است، یکی سلبی یعنی ممنوعیت فردی و خصوصی و دیگر ایجابی یعنی جواز انتفاع عمومی مثل مالکیت دریاها و رودخانه‌های طبیعی
- ۳ - مالکیت عمومی را به طور اخص بر دو مقوله توأم، یعنی مالکیت دولت عامه اطلاق می‌کنیم که مفهوم مقابل آن مالکیت خصوصی است.
- ۴ - مالکیت خصوصی: مقصود رابطه‌ای است بین فرد انسان با مال به طور اختصاصی، که منع دیگران را از انتفاع ایجاب می‌کند یا به شکلی که مداخله دیگران جز در صورت ضرورت و به طور استثنایی در آن مال، محدود شده باشد. از این نوع است مالکیت انسان نسبت به آبی که از رودخانه یا هیزمی که از جنگل به دست می‌آورد.
- ۵ - حق خاص: درجه‌ای از اختصاص محسوب می‌شود که از لحاظ تحلیلی و حقوقی،

با مالکیت خصوصی متفاوت است. مالکیت رابطه خصوصی بین انسان و مال است به طور مستقیم ولی حق خاص، رابطه‌ای است غیرمستقیم که از یک رابطه خصوصی دیگر ناشی می‌شود. به عبارت دیگر از جنبه حقوقی به موجب اصل مالکیت، مالک می‌تواند دیگران را از تصرف در دارایی خود منع کند، در صورتی که مورد حق خاص، چنین نیست و طبق مقررات قانونی، دیگران نیز حق استفاده از همان دارایی را دارند.

۶- اباحه عمومی: حکمی است که به استناد آن، هر کسی می‌تواند از ثروتی منتفع گردد و آن را تملک خصوصی نماید. به اموالی که مشمول قاعده فوق قرار می‌گیرد، مباحات عمومی گفته می‌شود مثل پرنده آزاد در هوا و ماهی در دریا.

چنانکه ملاحظه می‌فرمایید اختلاف آراء حقوقدانان و فقها در زمینه تعریف دقیق اقتصاد اسلامی زیاد است. محقق و پژوهشگر باید موارد اختلاف را با روح کلی دیدگاه سیستم اقتصاد اسلامی سنجیده و مطابق با فتاوی و اتحاد رویه حقوقدانان اسلامی زمینه سیستم اقتصاد اسلامی و جایگاه آن را مطابق خواسته‌ها و نیازهای فوری اجتماعات اسلامی روشن نماید.<sup>۱</sup>

### جایگاه عدل در اسلام

اساساً طرح مسأله عدل را در جامعه اسلامی، در درجه اول باید در خود قرآن جستجو کرد، این قرآن بود که بذر اندیشه عدل را در دلها کاشت. قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش بر عدل و توازن و براساس استحقاقها و قابلیت‌ها استوار است.

شهدالله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط<sup>۲</sup>

و یا عدل را ترازوی خدا در امر آفرینش می‌داند.

و در سوره الرحمن آیه ۹ آمده: و السماء رفعها و وضع المیزان.

و در آیه ۲۵ سوره حدید می‌خوانیم: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و

المیزان ليقوم الناس بالقسط (همانا فرستادگان خویش را با دلائل روشن فرستادیم و همراه

۱. محمدباقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه اسپهبدی، ج ۲.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۷.

آنها کتاب و مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم بدین وسیله عدل را به پا دارند). در قرآن، از توحید تا معاد و از نبوت تا امامت و زعامت و از آرمانهای فردی گرفته تا هدفهای اجتماعی همه بر محور عدل استوار شده است. لذا برای شناخت عدل و قسط و عدالت ابتدا باید به تعریف عدل، توحید و ایمان و نهادهای آن پرداخت.

بنابراین در تعریف عدل می‌توان گفت: عدل یعنی موزون بودن و متعادل بودن، یک اجتماع اگر بخواهد باقی و برقرار بماند باید متعادل باشد یعنی هر چیزی در آن به قدر لازم و مساوی وجود داشته باشد. از جهت تعادل اجتماعی آنچه ضروری است این است که میزان احتیاجات در نظر گرفته شود و متناسب با آن احتیاجات، بودجه و نیرو مصرف گردد این جا است که پای مصلحت به میان می‌آید.

یعنی مصلحت کل، مصلحتی که در آن بقاء و دوام کل و هدفهایی که از کل منظور است در نظر گرفته می‌شود. بنابراین نقطه مقابل عدل بی‌تناسبی است.

### تعریف عدل و قسط

عدل از اسامی خداوند است، عدل یعنی حکم به حق، عدل مصدر است و مراد از آن اسم فاعل است. یعنی عادل به کسانی که دارای این صفت هستند و دارای گفتار و کردار نیک بوده و قضاوتشان پسندیده باشد، گفته می‌شود.

عدل و داد از صفات انسانی است و پرتوی از صفت حق است که انسان جهت اجرای مسؤولیت خلیفه الهی اش، پرستش خداوند، و حمل بار امانت و اخلاق الهی اش نیازمند متصف بودن به این صفت می‌باشد. عدل از صفات نیکو و پسندیده انسانی است و جامع بین عفت که از اعتدال قوای شهویه و بهیمیه در نفس انسان پدید می‌گردد می‌باشد که حد وسط بین افراط و تفریط و مقتضیات قوای شهویه و بهیمیه و شجاعت که حد وسط بین تهور و جبن است و آن عبارت است از اعتدال قوه غضبیه و سبیه و حکمت حد وسط است بین افراط و تفریط در مقتضیات قوای شهویه و شجاعت که حد وسط بین تهور و جبن است و آن عبارت است از اعتدال قوه غضبیه و سبیه و حکمت که حد وسط است بین قدرت و عدل که جامع صفات و فضایل انسانی است و آن حد وسط بین تمام صفات

و عدم افراط و تفریط در تمام امور است.<sup>۱</sup> رویه شخص عادل، احسان، انفاق، محبت و مهربانی به فقراست مخصوصاً به خویشاوندان نزدیک.

### قسط

در قرآن به قسط اشارات فراوانی شده است. قسط جزئی‌تر و محدودتر از عدل است. به عبارت دیگر قسط عدل تعیین یافته است و بیشتر در مسائل اجتماعی محسوس است، در واقع قسط عدل را حالت اجتماعی می‌دهد. در آیاتی از قرآن حفظ عدل هم معنی گرفته شده و از آن به عدالت تعبیر شده. عدل به معنی موزون بودن و متعادل بودن نیز به کار می‌رود. یک اجتماع اگر بخواهد باقی و برقرار بماند باید متعادل باشد یعنی هر چیزی در آن به قدر لازم و متعادل وجود داشته باشد نقطه مقابل عدل بی‌تناسبی و ظلم است. در دنباله این مباحث، آیاتی از قرآن که در آن به عدل و قسط و قسطاس اشاره شده است آورده شده از آنجایی که خداوند امر به عدل و احسان می‌کند و این هستی براساس عدل و احسان خدا ایجاد شده و انسان مأمور به اقامه قسط شده و در قیامت و براساس قسط مواخذه و بازخواست می‌شود لذا قسط را می‌توان به عدل توأم با احسان و رحمت تعبیر کرد.

در این مورد به موضوع کارفرمای دلسوز از کتاب مقدس انجیل متی حضرت مسیح علیه‌السلام می‌توان اشاره کرد که براساس آن کسانی که تمام روز کار کردند و کسانی که نیمه روز کار کردند مزدی مشابه و مساوی دریافت کردند، به عبارت دیگر کسانی که تمام وقت کار کردند مزدی براساس عدل دریافت کردند و کسانی که نیمه روز کار کردند معادل نیمی از مزدشان را براساس عدل و نیمی از مزدشان را براساس احسان و از رحمت خدا یعنی بخشی از رزقشان دریافت کردند. به عبارت دیگر با کسانی که تمام روز کار کردند پرداخت دستمزد براساس قسط یعنی عدل توأم با احسان و بخشش صورت گرفت تا فراگیرند بخشش را. زیرا بخشش یکی از راه‌های بازکننده و شکوفاکننده فطرت الهی است.

۱. حاج سید اشرف طباطبایی، اسماء و نام صفات خداوند کریم در قرآن، صفحه ۳۱۰، ۱۳۷۹، انتشارات بهداد.

الگوی کلی بررسی جایگاه عدالت در اقتصاد اسلامی و حداقل دورنمای آن را می‌توان در ده سال دوران رسالت حضرت رسول(ص) در مدینه دید و به دنبال آن حقیقت ملموس و محسوس، عدالت را در ۵ سال حکومت حضرت علی(ع) که با چهره‌های قاسطین و ناکثین و مارقین مواجه شده بود جستجو کرد و چگونگی طرح عدالت را در طول تاریخ در هر زمان که ملت‌ها درصدد حکومت مذهبی برآمده بودند، سعی و کوشش آنها این بود که سیمای واقعی عدالت اقتصادی را بهره‌گیری از سرمایه‌های گذشته و نیاز زمان به نوعی ترسیم کنند. در صد ساله اخیر نیز در کشورهایی همچون مصر و ایران چهره‌هایی چون سید قطب و شهید محمد باقر صدر و شهید مرتضی مطهری و سایر محققین بزرگ با الگو قرار دادن روح کلی عدالت اسلامی و بهره‌گیری از آیات قرآن و سنت پیامبر(ص) و عملکرد حضرت امیر(ع) در دوران حکومتش، دورنمایی از جایگاه عدالت را در کتابها و رساله‌های خود تشریح نمودند در تحقیق حاضر، نیز سعی شده همان خط مشی گذشتگان را دنبال نموده تا سیمای حقیقی عدالت اسلامی را با استفاده از آیات قرآن و سنت پیامبر(ص) و روش عملی حضرت امیر(ع) در ۵ سال حکومتش و تورق در کتابهای روایی از ائمه و فقها و حقوقدانان بزرگ اسلام به بررسی آن پرداخت.

در جنگ بدر وقتی مهاجرین با انصار پیمان اخوت و برادری بستند انصار ثروت‌های خود را با مهاجرین تقسیم کردند. در واقع بخشش و ایثار انصار نسبت به مهاجرین تنها ابعاد عادی نداشت بلکه آنها اموال خود را به خدا بخشیده بودند آنها کانال‌های اتصال درونی فطرت خود را به سوی ملکوت آسمان‌ها گشودند و لذت‌های مادی را به لذت‌های روحانی و معنوی تبدیل کردند. شکاف طبقاتی را به برادری و برابری مبدل کردند ریشه‌های نفرت، حسد، بخل، تکبر، خشم، حرص و طمع، فخرفروشی و منیت‌ها را تبدیل به عشق، ایثار، آرامش، دوستی و زیبایی کردند. ما را جایگزین من نمودند. احکام خدا را حاضر در اداره امور زندگی کردند. جامعه آن روز عربستان از جاهل‌ترین، متعصب‌ترین و بیسوادترین جوامع بشری آن زمان بود وقتی الگوی عدالت توأم با عقل و حکمت آسمانی و رهبری و ولایت الهی توأم شده، توانست دل‌های جامعه بشری را فتح کند و فطرت‌های الهی را بیدار کند نه تنها خود بیدار شدند بلکه جامعه جهانی را نیز بیدار کردند؛ نه فقط



خود به سوی نجات رفتند بلکه موجب نجات بشریت را نیز فراهم کردند سلاح نداشتند، اما الگوی عدالت داشتند، ثروت نداشتند اما عقل و علم الهی داشتند یعنی بیداری درون و آگاهی معنوی و ارتباط با آن سوی عالم هستی از طریق به کارگیری عقل درون و عقل برون یعنی دین عاری از خرافات و متولیان دروغین. لذا موفق شدند توان جمعی را به وجود آورند و اقتصاد و عدالت ابزاری شدند برای پروازی روحانی و ملکوتی به آن سوی هستی، جامعه‌ای خداگونه؛ نه خود گونه، جامعه‌ای عشق‌پذیر نه نفرت‌خیز، جامعه‌ای هدف‌دار نه جامعه‌ای وابسته، لذا اقتصاد و عدالت در جهت شیطان ستیزی به کار گرفته شد و انفاق، ایثار، قرض‌الحسنه، برادری و برابری شکل گرفت و ربا، احتکار، رشوه، وابستگی‌ها رخت بر بستند.

سوره مائده آیه ۷: واذکروا نعمت‌الله علیکم و میثاقه الذی واثقکم به اذ قلتُم سمعنا و اطعنا و اتقواالله ان الله علیم بذات الصدور؛ نعمتی را که خدا به شما داده است و پیمانی را که با شما بسته است بدان هنگام که گفتید شنیدیم و فرمانبرداری کردیم یادآورید و از خدای بترسید که خدا به آنچه در دلها می‌گذرد آگاه است.

در این آیه به نعمت‌های مادی و غیرمادی داده شده به انسان و تعهد انسان نسبت به این نعمت‌ها و وفا به پیمان اشاره شد.

سوره یونس آیه ۵۷: یا ایها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمومنین؛ ای مردم برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد و شفایی برای آن بیماری که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مومنان.

سوره یونس آیه ۵۸: قل بفضل الله و برحمته فبذالك فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون؛ بگو به فضل خدا و رحمت او شادمان شوند زیرا این دو از هرچه می‌اندوزند بهتر است.

در آیات بالا خداوند برای پاکی روح از رذائل اخلاقی و تصفیه دل از بیماری‌های نفسانی که از اولین اطوار دل است، درمان و راهنما و رحمتی را تحت شادمان شدن به فضل و رحمتش آورده. مراد از فضل و رحمت را مفسرین گوناگون تفسیر نموده‌اند. بعضی از مفسرین فضل و رحمت را به ایمان و قرآن تفسیر نموده‌اند.<sup>۱</sup> فضل الهی را اشاره به

نعمت‌های ظاهری و رحمت را اشاره به نعمت‌های باطنی دانسته و یا به عبارت دیگر، یکی نعمت مادی و دیگری نعمت معنوی اشاره شده است. کراراً در آیات قرآن جمله: وابتغوا من فضله، به معنی تحصیل روزی و درآمد مادی آمده، لذا انسان برای رستگاری در دنیا و آخرت، نیازمند برخورداری از نعمت‌های مادی و معنوی می‌باشد.

### عدالت اجتماعی

اسلام از همان ابتدای رسالتش بر عدالت اجتماعی تکیه می‌کرده و معتقد بود که تمام پیامبران به استقرار قسط مبعوث شده‌اند و رسالت همه انبیاء براساس ایجاد قسط و عدالت در زمین و جامعه بشری استوار است. در قرآن آمده:

و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض.

اگر اهل یک جامعه‌ای ایمان آورده و تقوی پیشه کنند ما برکات و رزق خود را از آسمان بر زمین نازل می‌کنیم.

حقیقت این است که اسلام جهتی ضد اشرافی دارد، با ملاً (کله‌گنده‌ها) و مترف (شکم‌گنده‌ها) و با هر نوع استعمار و استثمار و استحمار مخالفت دارد. هدف نهایی اسلام استقرار قسط و عدالت توسط مردم است. ليقوم الناس بالقسط.

فلسفه تاریخ اسلام پیروزی قطعی و مقدر توده محکوم و مردم اسیر و ضعیف جهان و حکومت آنان بر روی زمین است.

### تأمین معیشت

اقتصاد در اسلام، اصل مهمی است و معاد از آن جامعه‌ای است که معاش دارد. من لا معاش له لا معاد له (کسی که معاش ندارد معاد هم ندارد) چه، به تعبیر آن صحابی پاک نهاد:

کسی که نان ندارد، گرسنه است باید با شمشیر برهنه برهمه مردم بشورد زیرا همه مسؤول گرسنگی اویند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

الفقر موت الاکبر - فقر بزرگترین مرگ است.

پیامبر می‌فرماید: کاد الفقر ان یکون کفرا - نزدیک است که فقر به کفر تبدیل شود، یا فقر همسایه دیوار به دیوار کفر است - یا به تعبیر ابوذر - وقتی فقر از دری وارد می‌شود

دین از در دیگر بیرون می‌رود، در جهان‌بینی اسلامی معاش و معاد، دنیا و آخرت هم‌آهنگ و علت و معلول هم هستند.

الدنيا مزرعة الاخره. در اسلام معروف، خیر و فضل، به عنوان ۳ مائده زمینی و ثروت مادی معرفی می‌شود. اسلام با اینکه به مغنم کثیره توجه دارد، با روح اشرافیت و زراندوزی و کلاشی و ثروت‌پرستی و زرپرستی مخالفت می‌کند و هر نوع ثروت‌اندوزی مطلق را محکوم می‌کند. تجویز تجمع ثروت مطلق را تنها در حکومت جامعه اسلامی در دست دولت اسلامی، آنهم دولتی که ثروت را در میان آحاد ملتش تقسیم کند جایز می‌داند.

### گسترش عقل معاش

عقل معاش و معیشت عقلی در میان ملت اسلامی و دنیای آباد و پرثمر برای جامعه اسلامی و ایجاد یک زندگی مطلوب و توجه به معاش و گستردن سفره طبیعت و بهره‌وری از این ثروت خدادادی و بهره‌بردن بهینه از آن را باید برای همه آحاد انسانها در نظر گرفت قرآن از اینکه ثروت تنها در دست یک عده خاص از صاحبان قدرت قرار گیرد و در امور غیر اجرایی عدالت الهی بکار گرفته شود به شدت مخالفت کرده، می‌فرماید: کی لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم<sup>۱</sup> چه کسی این اذن را داده که ثروت تنها در دست یک عده‌ای از اغنیاء قرار گیرد؟ توجه به عقل معاش و عنایت به مائده‌های زمینی و مبارزه با فقر و تبلی و دقت در کشف ذخایر و ثروت طبیعت و مبارزه با هر نوع تکاثر و تفاخر و ثروت‌اندوزی و ایجاد یک جامعه برابری و برادری در نظام اقتصادی و اجتماعی که پیشوای آزادگان جهان حضرت امیر در دورنمای حکومت اسلامی به شدت از آن جانب‌داری و حتی در راه آزادی و عدالت و با شعار آگاهی و عدالت و آزادی با گروه‌های مارکین، قاسطین و ناکثین مبارزه کرد، زیباترین جامعه مردمی را در حکومت ۵ ساله خود که مبنای آن براساس عدالت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بود پی‌ریزی نمود. شدت مبارزه او با کنز و صاحبان ثروت به گونه‌ای بود که بزرگترین اصحاب پیامبر هم که در آن روزگار جزو سهام‌داران گنج و ثروت بودند تحمل عدالت او را نداشتند و آن حضرت که با شعار: آگاهی، عدالت، آزادی در

منشور حکومتی خود درصدد آن بود که مدینه‌ای توأم با برابری و برادری در میان توده‌های جامعه ایجاد کند، سرانجام قربانی عدالت شد!! آنچه مسلم است این است که در اسلام مال و ثروت تحقیر نشده است.

مولانا حدیث پر بار رسول اکرم را که فرمودند: نعم المال الصالح للرجل الصالح، را اینگونه سروده است:

مال را گر بهر دین باشی حمل	نعم مال صالح خواندش رسول
آب در کشتی هلاک کشتی است	ور بود در زیر کشتی پشتی است

تشبیه مولانا در ارتباط با انسان و ثروت، به دریا و کشتی‌ای که در وضعی او را غرق می‌کند و شخصیت او را در خود محو می‌کند و در وضعی دیگر وسیله خوبی است برای رسیدن به مقصود بسیار قابل تدبیر است. حقیقت این است که اقتصاد هدف نیست بلکه اصل مهمی است و وسیله‌ای برای ترقی و کمال انسان، البته به این حقیقت باید توجه کرد که توازن اجتماعی و عدالت معیشتی در وهله اول به دست دولت اسلامی صورت می‌گیرد.

مسئولیت توازن و تعادل و ترمیم حفره‌های اقتصادی باید با همت دست‌اندرکاران قدرت و نظام اسلامی به بهترین وجه‌اش دنبال شود، دولت اسلامی باید برای عقل معاش و معیشت عقلی جامعه، با بسیار خواستن و اتراف و اسراف و برخوردارگی از نعمت و تنعم‌گرایی و مصرف‌زدگی و ریخت و پاش‌های طاغوتی و ضدارزشی و انسانی مبارزه کرده تا عقل معاش و عدالت معیشتی در جامعه حکمفرما شود.

قرآن کریم تکاثر را ضد ارزش و اتراف را سبب سرنگونی اجتماعات انسانی خوانده است، به راستی جنگ فقر و غنا در جامعه ما بسیار محسوس است، چه به قول امام جعفر صادق (ع): مردمان فقیر و گرسنه نگشتند مگر در اثر گناه توانگران.<sup>۱</sup>

به این منشور قرآنی توجه کنید که فرمود: و اوفوا الکیل و المیزان بالقسط.<sup>۲</sup>

### مفهوم عدالت اجتماعی

تورم، گرانی، کم‌فروشی، احتکار، ظلم و ستم اقتصادی باعث کمبود معیشت عقلی در

۱. وسایل الشیعه، ج ۶، صفحه ۴.

۲. سوره انعام، آیه ۶

جامعه می‌شود که همه این نابسامانی‌ها در وهله اول متوجه دولت اسلامی می‌باشد! العدل رأس الایمان.<sup>۱</sup>

سر ایمان اجرای عدالت است. ان الله یأمر بالعدل، خداوند امر به عدالت کرده است و همچنین: العدل حیاة (عدل زندگی است) آری، فقر اقتصادی خود به خود یک ملت را رعیت سیاسی می‌کند. در اسلام اگر کسی در دفاع از زندگی مادی‌اش کشته شود شهید حسابش می‌کنند.

چه به تعبیر شهید مطهری: عدالت تنها یک حسنه اخلاقی نیست بلکه یک اصل اجتماعی بزرگ اسلام است. عدالت اجتماعی عبارتست از ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و دفع موانع برای همه به طور یکسان.<sup>۲</sup>

#### فقرزدایی در سایه استقرار عدالت

حضرت امیر می‌فرماید:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جاندار را آفرید اگر راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید دیگر هیچ خانواده‌ای بی‌هزینه نمی‌ماند و هیچ مسلمان یا کافری که در پیمان مسلمانان است گرفتار ستمی نمی‌گشت<sup>۳</sup> در واقع به تعبیر یکی از امامان معصوم، عدل عامل برپایی عدالت و استواری مردمان است و امام علی(ع) می‌فرماید: مردمان جز در پرتو عدل به سامانی شایسته دست نیابند.<sup>۴</sup>

به همان سان که فقر مورد مذمت دین و رهبران دینی قرار گرفته، ثروت‌اندوزی و مال پرستی نیز مورد نکوهش آنان بوده، به طوری که علی بن ابی‌طالب (ع) در مذمت مال‌اندوزی می‌فرماید: بدانید که مال زیاد مایه تباهی دین و سخت شدن دل است<sup>۵</sup> و همین امام بزرگوار در پند به فرزندش می‌فرماید:

پسرم، آن کس که به فقر مبتلا شود به چهار خصلت مبتلا شده است: به ضعف در

۱. حضرت علی (ع)، غرر الحکم، صفحه ۳۹.

۲. مبانی اقتصاد اسلامی، شهید مطهری.

۳. مستدرک، نهج البلاغه، ۳۱.

۴. الحیاة، جلد ۶، محمدرضا حکیمی.

۵. تحف العقول، ص ۱۴۱.

یقین، کاستی در خرد، سستی در دین و اندک شدن در آزر. <sup>۱</sup> نه تنها امام علی (ع)، فقر را مرگ بزرگ می‌شمارد بلکه معتقد است اگر فقر به صورت مردی بر من ظاهر شود او را با شمشیر خواهم کشت. و نیز می‌فرماید: مال اندوزان در حال حیات نیز مرده‌اند <sup>۲</sup> همچنین مردن را بهتر از فقر دانسته می‌فرماید: القبر خیر من الفقر - قبر و مردن بهتر از فقر است <sup>۳</sup> امام علی (ع) در دوران حکومتش روزی پیرمرد کهنسال کوری که گدایی می‌کرد را دید و پرسید: این مرد کیست؟ گفتند یا امیرالمؤمنین او نصرانی است فرمود: از او چندان کار کشیدند تا پیر و ناتوان شده، حال به او چیزی نمی‌دهید؟ هزینه زندگی او را از بیت‌المال بدهید تا امرار معاش کند. <sup>۴</sup>

شهید سیدمحمدباقر صدر می‌گوید: اقتصاد اسلامی بیان می‌دارد که منابع طبیعی ثروت همه از آن خداست و دولت اسلامی باید توازن اجتماعی را آنگونه حفظ کند که از انباشته شدن ثروت و عدم جریان آن در دست همه آحاد ناس جلوگیری نماید و هر جریان استثنایی که در جامعه باعث عدم توازن اجتماعی گردد دولت موظف است با دخالت کردن خود شیوه مناسب توازن اجتماعی و اقتصادی را حفظ نماید. <sup>۵</sup>

امام علی (ع) در منشور بزرگ اقتصادی و فرهنگی حکومتش می‌فرماید: آنچه دست‌های آنان چیده و محصول کار آنان است به دهانهای دیگران نخواهد رسید. <sup>۶</sup> آن کسانی که اموال عمومی و امکانات خدادادی و ثروت یک جامعه را به خاطر قدرت و نفوذ اجتماعی و سیاسی خود در اختیار خود و خویشان خود قرار می‌دهند باید بدانند که مورد شماتت مردم و نکوهش و سرزنش امام علی (ع) قرار می‌گیرند که فرمود:

هر کس انحصار طلبی کند و بخشی از اموال را در اختیار خود قرار دهد هلاک خواهد شد <sup>۷</sup> و همچنین آن امام عزیز می‌فرماید: پس رعیت صلاح نپذیرد الا والیان صلاح پذیرند

۱ . نهج البلاغه.

۲ . نهج البلاغه.

۳ . اصول کافی، ص ۲۱.

۴ . الحیة، ج ۶

۵ . الاسلام یقود الحیة، ص ۵۱.

۶ . نهج البلاغه، ص ۲۲۷.

۷ . الحیة، جلد ۳.

و والیان به صلاح نیایند مگر به راستی و درستی رعیت، زمانی که رعیت حق خود را نسبت به والی بگذارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید حق در میان آنها عزت می‌یابد و طرق واضح دین برپا می‌شود و نشانه‌های عدالت (در همه ابعاد از جمله در اقتصاد) استقامت می‌یابد و سنت‌های پیامبر (ص) در مسیر خود اجرا می‌گردد و روزگار اصلاح می‌شود.<sup>۱</sup> آری تعادل و توازن عقل معاش و معیشت عادلانه و توجه به معاش و ایجاد یک ضرورت بی‌نیازی در حیات اجتماعی و زندگی و بسط عدالت در معیشت انسانها در وهله اول به زمامداران و دولت مردان حکومت برمی‌گردد، استکبار اقتصادی و شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان، عقل و معیشت عقلی را در جامعه می‌میراند و یک طبقه مترف و غرق در نعمت، بیماری فقر را در میان توده کثیری از مردم به وجود آورده و به دنبال آن آسیب‌های اجتماعی از قبیل، اجحاف، کشتار، دزدی، بی‌رحمی، ستم، فقر اقتصادی و سیاسی را در جامعه به وجود آورده و موجب هلاکت اجتماعی می‌شود.

### جوانی و بیکاری و بی‌نیازی تباهی به بار آرد و ترکتازی

#### ۱- نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر

به این منشور حکومتی حضرت امیر(ع) در نامه به مالک اشتر توجه کنید! علی بن ایطالب در فرآزی از نامه و دستورالعمل حکومتی به مالک اشتر می‌فرماید:<sup>۲</sup> باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد.

مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد. زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات‌دهندگانند.

۱. بحار الانوار، مجلسی، ج ۶

۲. نامه ۵۳ نهج البلاغه.

## ۲ - تخفیف مالیات به آسیب‌دیدگان

پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی یا خشکسالی و خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد و رعیت تو را ستوده. و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد. بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی و با گسترش عدالت بین مردم و مهربانی با رعیت به آنان اطمینان خواهی داشت، آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است و تنگدستی کشاورزان به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند. سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن بازرگانانی که در شهرها ساکنند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان که منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دوردست و دشوار می‌باشند. این را هم بدان که در میان بازرگانان کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکار کننده‌اند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیان‌بار و عیب‌بزرگی بر زمامداران است.<sup>۱</sup>

## ۳ - عدم وابستگی به دنیا

ما در درک صحیح از بهره‌وری از نعمات دنیا و معاش و معیشت در آن، یا راه افراط پیمودیم یا طریق تفریط. دنیا و معاش مورد مذمت نیست ولی دنیاپرستی و دلبستگی به مال دوستی مورد توبیخ و طعن و سرزنش قرار گرفته است.

هست دنیا بر مثال کشت‌زار هم شب و هم روز باید کشت و کار



خدای متعال در قرآن مجید به ما تعلیم می‌دهد که در دعای نماز بخوانیم: خداوندا ما را در این جهان نیکویی ده و در آن جهان نیز نیکویی بخش چه به تعبیر قرآن: هرکس که در این جهان کور باشد در آن جهان هم کور و گمراه است<sup>۱</sup> آری دنیا دو دنیاست، دنیای رساننده و دنیای نفرین شده، حضرت امیر شنید مردی فریفته دنیا، دنیا را مورد سرزنش قرار داده به او فرمود:

ای نکوهش کننده دنیا، فریفته به نیرنگ آن، دلباخته به باطل‌های آن، فریفته دنیایی، حال که آن را سرزنش می‌نمایی؟ تو از گناه دنیا شکایت داری یا دنیا بر تو دعوی دارد که گنهکاری. کی دنیا سرگشته‌ات ساخته، و چه موقع تو را فریفته است؟ آیا محل سقوط پدرانت در دامن فنا یا به خوابگاه مادرانت در زیر خاک تو را فریب داده است به درستی که دنیا جایگاه راستی است برای کسی که با آن به راستی رفتار کند و خانه تندرستی است برای کسی که از آن چیزی بفهمد و سرای بی‌نیازی است برای کسی که از آن توشه بگیرد و محل پند است برای آن که از آن پند گیرد. مسجد جایگاه دوستان خداست و جایگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی خدا و تجارتخانه دوستان او. آنان در اینجا رحمت خدا را به دست آوردند و در آنجا بهشت را سود بردند<sup>۲</sup> دنیای ممدوح مورد مذمت نیست، دنیای تعلق قلب و محبت به دنیا به صورت افراط و دلبستگی به آن، مورد سرزنش قرار گرفته است مردم و احاد ناس در دنیا خانواده و بندگان خداوند هستند. رسول خدا فرمود: مردم خانواده و بندگان خدایند، پس محبوب‌ترین مردمان نزد خداوند کسانی‌اند که به بندگان خدا خدمت کنند و سود برسانند<sup>۳</sup> آری: آفت المعاش سوءالتدبیر<sup>۴</sup>: آری آفت زندگانی بدی تدبیر است.

سوءالتدبیر مفتاح الفقر<sup>۵</sup>: سوء تدبیر گشاینده درهای فقر است: زوال الدّول باصطناع السفلی: زمام امور را به فرومایگان و دون همتان سپردن، سبب زوال دولتهاست.

۱. سوره اسراء، آیه ۷۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳.

۳. کافی، ج ۲.

۴. شرح غرر الحکم، ج ۴.

۵. شرح غرر الحکم، ج ۴.

۶. شرح غرر الحکم، ج ۴.

#### ۴ - رعایت مساوات

حضرت امیر در نامه خود به محمد بن ابی بکر می‌نویسد: همه مردمان را به یک چشم نگاه کن در میان آنان مساوات را رعایت کن تا بزرگان در تبعیض تو طمع ستم بر ناتوانان نبینند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند و برای همه مردم خود آنچه را دوست بدار که برای خود و خاندانت دوست می‌داری و آنچه را که برای خود و خاندانت نمی‌پسندی برای آنان نیز می‌پسند.<sup>۱</sup> و یا در سفارش حضرت امیر به خلیفه دوم عمر بن خطاب سفارش می‌دهد: سه چیز است که اگر آنها را پاس داری از سایر امور بی‌نیاز می‌شوی:

۱ - اجرای حدود نسبت به نزدیک و دور

۲ - حکم به خدا در خشنودی و خشم

۳ - تقسیم بیت‌المال به عدالت و مساوات در میان مردم<sup>۲</sup>

و در فرازی دیگر از دوران حکومتش خطاب به مردم کوفه می‌گویند: ای مردم اگر من با این جامعه‌های مندرس و با این بار و بنه‌ام که به سرزمین شما آمده‌ام، چیزی جز آنها از شهر شما بیرون روم به شما خیانت کرده‌ام.<sup>۳</sup>

#### ۵ - ساده زیستی مسئولین

آری پیشوای آزاد مردان علی بن ابیطالب (ع) با آنکه مصراغه نظام عدالت گونه و زهد و تقوی و پارسایی را برای پیشوایان جامعه آرزومند است از فقر و تهیدستی و عدم توجه به معاش و معیشت عقلی نسبت به مردمان جامعه مسلمین بیمناک است، در سخنی خطاب به فرزندش محمد بن حنیفه می‌گوید: پسرم، از فقر بر تو می‌ترسم، پس از آن به خدا پناه ببر، که فقر دین را زیان و خرد را سرگردان و دشمنی را پدید می‌آورد.<sup>۴</sup>

از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده که فرمود:

خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده است که وضع زندگی خود را با مردمان تنگدست

۱ . نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲ . تهذیب الاحکام، طوسی، ج ۶

۳ . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲.

۴ . نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

برابر و در یک سطح قرار دهند تا فقر و تنگدستی فشاری بر فقرا وارد نکند.<sup>۱</sup>

از حضرت امیر نقل شده که فرمود:

بدانید که از جمله نعمت‌ها، دارایی فراوان است و برتر از دارایی تندرستی، و برتر از

تندرستی پرهیزکاری دل است.<sup>۲</sup>

در خطبه ۱۶۰ نهج‌البلاغه حضرت می‌فرماید:

رسول خدا روی زمین غذا می‌خورد و چون بندگان می‌نشست با دست خویش کفشش را پینه می‌بست و جامه‌اش را وصله می‌کرد، بر الاغ بی‌پالان می‌نشست و دیگری را پشت سرش می‌نشانند، پرده‌ای تصویردار بر در خانه‌اش آویخته بودند، به یکی از همسرانش فرمود: این پرده را از چشم من پنهان کن که هرگاه بدان می‌نگرم دنیا و زیورهای آن را به یاد می‌آورم، دوست داشت زیور دنیا از دیدگانش پنهان بماند تا مبادا جامه‌ای فاخر از آن برگردد و به ماندگاری آن دل بندد و به ماندن در دنیا امید برد.

۶ - الگوی قناعت، پارسایی، کوشش، پاکدامنی

در فراز دیگری می‌فرماید:

قناعت، مالی است که پایان نمی‌یابد<sup>۳</sup> و پاکدامنی زینت فقر است و شکر زینت

توانگری.<sup>۴</sup>

باز از آن حضرت در نامه ۴۵ نهج‌البلاغه آمده که فرمود:

بدان که هر پیروی را پیشوایی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانش او روشنی می‌جوید. آگاه باش که امام شما از دنیای خود به دو کهنه جامه و از خوراکش به دو گرده نان بسنده نموده است بدانید که شما چنین نتوانید کرد، لیکن مرا با پارسایی و کوشش و پاکدامنی و درستکاری یاری کنید و اگر بخواهیم راه دست یافتن به عسل ناب و مغز گندم و بافته‌های ابریشم را پیدا کنم

۱ . نهج‌البلاغه، خطبه ۲.

۲ . حکمت، ۳۷۸.

۳ . حکمت، ۵۷.

۴ . حکمت، ۶۸.

می‌توانم! اما هیئات که خواهش نفس بر من چیره گردد و آز، مرا به گزینش خوراکی‌ها بکشاند و شاید در حجاز یا یمامه کسی باشد که حسرت گرده‌ای نان برده و سیری را یاد نداشته باشد، اگر با شکم سیر بر بالین سر نهم و پیرامون من شکم‌های گرسنه و جگرهای سوخته باشند، آیا بدین قناعت کنم که مرا امیر مؤمنان بگویند و در ناخوشی‌های روزگار شریکشان نشوم و در سختی زندگی چگونه سرمشق آنان نباشم.

### برخی راهکارهای اجرایی

۱- تصویب قوانین براساس معیارهای علمی مبتنی بر اعتقادات و ساختن یک جامعه توحیدی که لازمه آن داشتن قوه مقننه آگاه به مسائل علمی روز، منطقه و جهانی است. یعنی انتخاب نمایندگانی که از سواد لازم علمی و جهانی و تقوا برخوردار باشند.

۲- ایجاد نظام اداری مبتنی بر عشق، خدمت به مردم، شایسته سالاری علمی و تقوا باشد.

۳- تنظیم نرخ ارز (مبادله کالاها) براساس نرخ عدل نه براساس نرخ کسری بودجه دولت.

۴- ایجاد دانشگاه‌های علمی قوی و مؤسسات پژوهشی توانمند در سطح کشور با اختصاص سهم مناسبی از تولید ناخالصی و به کارگیری دانشمندان.

۵- کنترل قیمت عوامل تولید و توزیع براساس عدالت در یک نظام توحیدی، یک نظام طبقاتی، سرمایه‌داری مدرن وابسته مثل: زمین، سرمایه.

۶- حذف ربا از مبادلات تجاری و جامعه آن هم نه لفظاً بلکه عملاً (در حال حاضر مبادلات تجاری بازار براساس ریال بازاری تنظیم شده)

۷- کنترل و تورم در حد نرخ صفر بهره.

۸- کنترل نقدینگی و جلوگیری از سوءاستفاده دولت و عوامل سیاسی از منابع و سپرده‌های مردم در جهت اهداف فردی و گروهی و سیاسی و جلوگیری

از پرداخت اعتبارات تکلیفی سیاسی.

۹ - اصلاح قوه قضاییه که آشنا به مبانی و اجرای عدالت باشد و در جهت حرکت به سوی جامعه مبتنی بر عدالت و جامعه توحیدی گام بردارد.

۱۰ - پویا نمودن حوزه‌های علمی براساس تذکرات علمی و اعتقادی و آشنا به مسائل جهانی در جهت پویا نمودن فرهنگ اعتقادی مردم زیرا جامعه امروزی بشری از جامعه اقتصادی مبتنی بر ثروت و قدرت حاضر به جامعه فرهنگی مبتنی بر حکمت و علم تغییر جهت خواهد داد.

۱۱ - ایجاد عدالت و توزیع امکانات بین نقاط شهری و روستایی.

۱۲ - تعریف علمی و اعتقادی مناسب مفاهیم و اصلاحات مورد استفاده در جامعه و اقتصاد اسلامی از جمله ربا، عدالت، بهره، زمین در جهت خروج از بحران هویت فرهنگی و اعتقادی در جامعه مثلاً بررسی خمس، زکات و مالیات....

۱۳ - امکان برخورداری مردم یعنی بررسی ایجاد قسط یعنی عدالت اجتماعی براساس آیه ۲۵ سوره حدید که به ليقوم الناس بالقسط اشاره دارد فراهم شود و از حاکمیت احزاب سیاسی بر سرنوشت مردم براساس سطح متاع خرجی جلوگیری شود.

در ساختار نظم نوین جهانی، یعنی حاکمیت پول و دموکراسی به شکل غربی آن قیمت‌ها براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. سؤال اساسی که مطرح است این است که باید در نظام اسلامی قیمت کالاها را نرخ عرضه و تقاضا تعیین کند یا نرخ عدل؟ و نرخ عدل ارز را چگونه تعیین کنیم. تعادل قیمت پایه براساس نرخ عدل باشد یا حاکمیت شرکت‌های انحصاری، قیمت‌ها براساس چه مکانیزمی برقرار شود. چگونه ساختار دستمزدها تعیین شود؟

سیاست‌های مالی و پولی که در یک نظام غربی از یکدیگر مستقل است آیا در جوامع اسلامی کاربرد دارد؟ به عبارت دیگر آیا سیاست‌های پولی و مالی باید پشتیبان یکدیگر و وحدت توحیدی داشته باشند یا خیر؟ آیا بانک مرکزی که در

یک نظام غربی جهت جلوگیری از سوءاستفاده احزاب حاکم مستقل از دولت طراحی می‌شود، در یک نظام توحیدی نیز باید مستقل از دولت باشد؟ لذا سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که در اقتصادنظم نوین جهانی براساس فرهنگ حاکمیت غربی یعنی حاکمیت ثروت و قدرت که با آزادسازی اخلاقی موافق است. آیا متناسب با فرهنگ مبتنی بر خداشناسی توحیدی که فرهنگ آن براساس اخلاق توحیدی و عدالت و قسط پی‌ریزی شده همخوانی دارد؟

ادامه دارد